



24 جنوری 2016



داکتر سید عبدالله کاظم

دلایل توافق به متارکه و توقف جنگ در جبهات سه گانه استقلال علیه قوای انگلیس

مقاله محترم داکتر زیرکیار تحت عنوان "دخپلواکی او غلواکی جگری" که در برگیرنده بعضی نقاط مهم کتاب خاطرات مرحوم جنرال یار محمد خان وزیر "دافغانستان د خپلواکی او نجات تاریخ" میباشد، توجه مرا جلب کرد و از محترم استاد سیستانی که آن مقاله را به دری ترجمه کرد و بزودی در این پورتال وزین به نشر رسانید، اظهار سپاس میکنم. در مقاله محترم داکتر زیرکیار از قول مؤلف کتاب در باره صدور امر متارکه و توقف جنگ با قوای انگلیسی در جبهات سه گانه جنگ افغان و انگلیس توسط شاه امان الله خان چنین آمده است: «درحالی که غازیان ما در میدان جنگ تفوق داشتند و انگلیس ها رو به فرار و به شکست مجبور شده بودند، غازیان حیران مانده بودند که چرا امان الله خان با دشمن مغلوب پیشنهاد آتش بس را قبول کرده است؟! پیشنهاد آتش بس بدون آنکه با مشران و بزرگان ما صلا و مشورت کند، قبول شد.»

برای بررسی این موضوع مهم که نه تنها مورد انتقاد و پرسش جنرال وزیر (مؤلف کتاب) قرار داشته، بلکه برخی از بزرگان صاحب نفوذ آنوقت از جمله سردار عبدالقدوس خان اعتماد الدوله، حضرت صاحب فضل محمد مجددی "شمس المشایخ"، سپه سالار محمد نادر خان و عده ای از اراکین دیگر دولت نیز با قبول متارکه موافق نبودند و اصرار بر تداوم و پیشرفت جنگ "جهاد" داشتند، لازم است به سؤال های ذیل بسیار مختصر جواب گفت:

یکی - هدف اصلی شاه امان الله از اعلام جهاد علیه انگلیس ها چه بود؟

دو - آیا واقعاً غازیان در میدان جنگ تفوق داشتند و دشمن در حال فرار و روبه شکست بود؟

سه - آیا در همچو موقع حساس مشوره با همه مشران و بزرگان شامل در جهاد عملی بود و یا اینکه تصمیم نهایی را باید دولت و در راس آن شخص شاه میگرفت؟

استقلال کامل - یگانه هدف راه اندازی جهاد:

شاه امان الله به مجرد تاجپوشی استقلال افغانستان را اعلام کرد و گفت: «من خود و کشور خود را از لحاظ جمیع امور داخلی و خارجی بصورت کلی آزاد، مستقل و غیروابسته اعلان میدارم و به هیچ قدرت خارجی اجازه داده نخواهد شد تا یک سر مو به حقوق و امور داخلی و سیاست خارجی افغانستان مداخله کند و اگر کسی زمانی چنان تجاوز نماید، من حاضریم با این شمشیر گردنش را قطع کنم.»

آنوقت خطاب به سفیر انگلیس که حاضر مجلس بود، گفت: «آنچه گفتم فهمیدی!» (آدامک، لودویک: تاریخ روابط سیاسی افغانستان از زمان امیر عبدالرحمن خان تا استقلال، مترجم: علی محمد زهما، چاپ جدید، صفحه 28).

سپس او عنوانی وایسرای هند نامه رسمی نوشت و تقاضای برسمیت شناختن استقلال افغانستان را کرد، ولی وایسرا با ارسال نامه مورخ 15 اپریل 1919 از قبول این تقاضا طفره رفت. همان بود که دو هفته بعد از این نامه، شاه اعلام جهاد کرد و همه بزرگان قومی و دینی را در تمام کشور موظف به تدارکات اولی ساخت و به سرعت سه قوه را به سه سمت (جبهه قندهار به سرکردگی عبدالقدوس خان اعتمادالدوله، جبهه مشرقی به سرکردگی سپه سالار صالح محمد خان و جبهه جنوبی به سرکردگی سپه سالار محمد نادرخان) اعزام داشت (اگر چه سخن از جبهه چهارم "کنز" به سرکردگی خان میرزمان خان کنری و سپه سالار عبدالوکیل خان نورستانی نیز در میان است) و جنگ سوم افغان - انگلیس بتاريخ 4 می 1919 در آن جبهات آغاز شد.

قوای افغانی در دو جبهه اول الذکر (قندهار و مشرقی) بنا بر دلایلی با ضعف مواجه گردید و اما در جبهه جنوبی به سرکردگی سپه سالار محمد نادرخان و کمک اقوام وزیری و مسعود (میسود) در تل و وانه موفقیت داشت، آنهم بیشتر به دلیل اینکه که انگلیسها تصمیم گرفته بودند تا قوای خود را قدم بقدم از آنجا خارج کنند و قوا را در جبهه مشرقی متمرکز ساخته و آن جبهه را بیشتر تقویه دارند، چنانی که به قول "شترانس هوپ" R. Strauss-Hupe: «پلان عمومی جنگ توسط انگلیس ها طوری طرح شده بود که در قسمت های وزیرستان (جبهه جنوبی) و بلوچستان (جبهه قندهار) درحالت دفاعی بمانند و با مؤثرترین قوای عمده خود به مقابل جلال آباد (خیبر) پیشروی کنند و هدف شان جدا ساختن جنگجویان قبایل سرحد آزاد از قوای اردوی افغان، مستحکم ساختن "خیبر" و باز کردن راه به کابل بود.» (زمانی، داکتر عبدالرحمن: "بازنگری دوره امانی و توطئه های انگلیس"، جلال آباد، 2013، صفحه 77)

راجع به تخلیه قوای انگلیسی از "گومل" تا "وانه" در یکی دیگر از اسناد محرمانه انگلیسی آمده است که قوماندان عمومی انگلیس به صاحب منصب مربوطه خود چنین هدایت میدهد: «با در نظر داشت این حقیقت که بعد از دخول قوای افغان به مجاورت "رېچل" و یکجا شدن قوای قبایلی با آنها، حفظ خطوط ارتباطی از "گومل" تا به "وانه" برای ما ناممکن خواهد بود، باید پوسته های نظامی "وانه" - سروکی و گومل" را تخلیه کنیم. برای انجام این کار باید وقت زیاد را در نظر گرفت تا گارنیزون های وفادار موجود بتوانند به سلامتی به "روب" و یا "مرتضی" عقب نشینی کنند... موفقیت بزرگ عملیات ما در جبهه دکه و جلال آباد شاید تمام پلان جنگ افغان ها را تغییر دهد... اگر وضعیت وخیم شود، تمام پوسته های نظامی بالاتر از میرامشاه را تحت قوماندان عمومی تخلیه کنید، پوسته های بالاتر از میرامشاه یا باید ترک شوند و یا هم به وزیری های که اگر تاحال دوست باقیمانده باشند، با وعده پاداش بسیار ساخاوتمندانه برای حفاظت سپرده شوند...» (برای شرح مزید دیده شود: زمانی، مأخذ قبلی.. صفحه 78 - 79)

هدف اصلی انگلیس ها در تقویه مزید جبهه مشرقی را میتوان از متن ذیل که در اسناد محرمانه انگلیس تصریح شده است، به وضاحت درک کرد: «در افغانستان برای ناکامی گنجایشی وجود ندارد. وقتی ناکانی امان الله با اشغال جلال آباد توسط قوای ما فاش شود، چانس خوبی برای رد کردن امان الله توسط افغان ها و باز نمودن راه برای یک امیر جدید، کسیکه معامله با او برای ما مشکل نباشد، موجود است» (زمانی، مأخذ قبلی.. صفحه 78)

د پانیو شمیره: له 2 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
پادونه: دلېکنی د لیکنيزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولی

از مختصر اسناد فوق واضح می‌گردد که تلاش برای شکست جبهه مشرقی به هدف ایجاد شهرت منفی برای شاه امان الله از یکطرف و عقب نشینی در جبهه جنوبی برای کسب شهرت سپه سالار محمدنادر خان از طرف دیگر حیثیت "یک تیر و دو فاخته" را داشت که فراهم آوری زمینه برای پیشرفت در جبهه جنوبی به هیچ وجه نمیتوانست استرداد استقلال کشور را به حیث یگانه هدف شاه امان الله از اعلام جهاد علیه انگلیس از راه ادامه جنگ تنها در آن جبهه تضمین کند.

انگلیس ها و پیشنهاد متارکه:

در کتاب "دست نویس عبدالحکیم خان وهاب پسر عبدالوهاب خان امین المکاتیب" مطالب مهم و مستند در باره اینکه چگونه پیشنهاد متارکه از طرف انگلیسها به وسیله سردار عبدالرحمن خان (یکی از مشروطه خواهان اول و شخص مورد اعتماد شاه امان الله خان) پسر عبدالوهاب خان ارائه گردیده است، درج میباشد که ذیلاً اقتباس میگردد:

«عبدالرحمن خان در بدو سلطنت امیر امان الله خان (1298 شمسی) به حیث ناظر معارف به وزارت معارف مملکت مقرر شدند، اما بنابر ایجاب سیاست از وظیفه لزوماً بعهدہ سفارت روانه هند برطانوی گردیدند که این ایام پیشتر از اعلان استقلال افغانستان و آمادگی جهاد با انگلیس بود... منظور سفارت هم مذاکرات و تماس دیپلماسی با برطانیه بوده است، چنانچه بمجرد اعلان استقلال افغانستان در فروری 1919 و سوقیات کابل در اپریل سال مذکور به استقامت سرحدات هند با آنکه هنوز اعلان حرب نشده بود، سفرای دولتین در دهلی سردار عبدالرحمن خان و در کابل حافظ سیف الله خان مقیم بودند. وقتیکه جنگ در محاذ خیبر شروع شد و بعد از آن قطع مناسبات دولتین اعلان گردید، دولت انگلیس از دهلی سفیر افغانستان سردار عبدالرحمن خان را با عائله اش تحت الحفظ در پایگاه نظامی خود که در "دکه" اشغال کرده بودند، آورد و پیش رفتن نگذاشت. از جانبی هم دولت انگلیس تمام اوراق و اشیای سفارت افغانستان را در دهلی و همچنین اوراق و اسناد نمایندگی افغانستان در پشاور را ضبط کرد. چون دولت انگلیس در طی جنگ محاذات متعدد در سراسر خطوط سرحد با افغانستان خطر جنگ را احساس و عواقب نامطلوب آنرا در مورد هندوستان درک نمود، ناچار مایل به صلح و تصدیق استقلال افغانستان گردید و راه مذاکره را توسط قوماندانان خود در دکه با سفیر نظربند افغانستان سردار عبدالرحمن خان باز کرد.»

نویسنده کتاب در ادامه می افزاید: «انگلیسها در دکه با سردار موصوف به مذاکره پرداختند و او را حامل پیامی ساختند تا به کابل رفته و با شاه امان الله خان درباره صحبت نماید. سردار عبدالرحمن خان بغرض اطلاع مذاکرات و تمایلات انگلیسها راجع به صلح روانه کابل شد و [انگلیسها] غلام احمد خان پسر شانرا در پایگاه عسکری دکه تحت حفاظت نگهداشتند... سردار خسته و افسرده بسلامت وارد کابل گردید و با امیر امان الله خان که او هم بشدت از جانب سردار عبدالرحمن خان و جریان مذاکرات شان نا آرام و در انتظار بود، در تماس شد. امیر امان الله خان از مساعی صادقانه و وطن خواهانه سردار عبدالرحمن خان اظهار خوشی و تشکر نموده، بعد از تعاطی افکار بقبول متارکه انگلیس با شرایط تصدیق استقلال، هدف حکومت افغانستان را برای عبدالرحمن خان حالی و رخصت فرمود. سردار عبدالرحمن خان واپس در دکه نزد انگلیسها آمده موافقت امیر را به آنها ابلاغ و متارکه بتاریخ سوم جون 1919 اعلان شد و سردار عبدالرحمن خان با پسر و همراهان خود پس از هفده روز در دکه بکابل برگشت.» (صالحه وهاب واصل: "کتاب دست نویس عبدالحکیم خان پسر امین المکاتیب"، قسمت پنجم، منتشره پورتال افغان جرمن آنلاین، 14 نوامبر 2014، صفحه 18)

د پانوی شمیره: له 3 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

عزیزالدین وکیلی فوفلزانی در کتاب "نگاهی به تاریخ استرداد استقلال افغانستان می نویسد: «بتاریخ 21 می 1919 (چهارشنبه 30 ثور 1298 شمسی) کمشنر بزرگ پشاور از رسید یک تلگراف که از طرف سردار عبدالرحمن خان نماینده سیاسی افغانستان در هند فرستاده شده بود، اطلاع داد. عبدالرحمن خان در آن تلگراف به قوماندان لشکر برتانیه در "دکه" خبر داد که: وی با پادشاه افغانستان صحبت کرده است و حالا آرزو دارد با برتانیه برای تأمین صلح مذاکره نماید.» فوفلزانی می افزاید: «حکومت هند قبلاً به نماینده افغانستان گفته بود که به افغانستان عزیمت نموده و اعلیحضرت امان الله شاه را تشویق کند که از فعالیت های خصومت آمیز دست بکشد. کمشنر به پیشنهاد نماینده افغانستان اعتماد نکرد و به سیمله (مرکز تابتانی هند) پیشنهاد نمود که این پیش آمد افغانستان یک حرکت تکتیکی بوده تا بدان وسیله بتواند وقت کمائی کرده و قبایل را بظرفداری خود جلب نماید. لیکن نائب السلطنه هند وضعیت را در سرتاسر سرحد [بخصوص بعد از قیام خونین شهر پشاور - نویسنده] چنان بحرانی می دید و فرصت را به اندازه حیاتی و مهم می پنداشت که به صاحب منصب متنفذ صلاحیت داد تا با نماینده افغانستان ملاقات نماید.» (عزیزالدین فوفلزانی: "نگاهی به تاریخ استرداد استقلال افغانستان"، کابل، 1368، صفحه 41 و)

فوفلزانی می نویسد: «بالاخره لارد چلمسفورد بتاریخ 3 جون 1919 (سه شنبه 12 جوزای 1298 شمسی) به پاسخ پیشنهادهای صلح امان الله شاه پرداخته و شرایط آتش بس را پیشنهاد کرد... که کنفرانس صلح در راولپندی برپا گردد. بتاریخ 11 جون (چهارشنبه 20 جوزا 1298) اعلیحضرت امان الله شاه از کابل به نائب السلطنه هند پیام فرستاد و از مجاهدت های موفقانه هردو طرف برای صلح اظهار خوشنودی کرد.» (مأخذ فوق...، صفحه 45)

اینکه چرا انگلیسها به عجله متارکه را پیشنهاد کردند، چند دلیل دارد :

یکی - آنها با آمدن فصل گرما و نیز خستگی مفرط قوای هندی از جنگ جهانی اول، ادامه جنگ را در ساحات حساس قبایل ماورای خط دیورند یک جنگ فرسایشی و دوامدار ارزیابی میکردند و از نظر نظامی پیشبرد جنگ را بحال خود مفید نمی دیدند.

دو - هنوز جنگ در جبهه جنوبی ادامه داشت که حکومت بلشویکی روسیه بتاریخ 27 مارچ 1919 اولین کشوری بود که استقلال افغانستان را برسمیت شناخت و انگلیس ها میدانستند که در صورت ادامه جنگ پای روسها در افغانستان کشانیده میشود و اینکار برای انگلیسها غیرقابل تحمل بود.

سه - آتش جنگ بیشتر در ساحات قبایلی تحت نفوذ انگلیسها گسترش می یافت و آن ساحه که حیثیت منطقه «حایل» را برای انگلیسها داشت، به میدان جنگ و مرکز ناآرامی ها در منطقه تبدیل می گردید و این وضع برای انگلیسها در سر فراوان خلق میکرد. چنانچه لندن به هندوستان این نکته را خاطر نشان کرد که: ما از سپاه منظم افغانها ترس نداریم، بلکه از قبایل غیرمنظم که بصورت پیگیر برکمپ های منفرد خطوط مواصلات ما حمله میکنند، هراسان هستیم.

توسل به راه حل سیاسی یک اقدام معقول!

با وجودی که جنگ در طول سه هفته در جنوبی هنوز در حال پیشرفت بود، شاه امان الله پیشنهاد متارکه را که جانب انگلیس بتاریخ 3 جون 1919 (12 جوزا 1298 شمسی) ارائه کرده بود، قبول

نمود و جنگ را متوقف ساخت و بعد از آن تاریخ با استفاده از این دست آورد مهم نظامی، خواست تا داعیه استقلال افغانستان را از طریق مذاکرات سیاسی دنبال کند.

اولین دور مذاکرات بتاريخ 25 جون 1919 در راولپندی آغاز گردید و بروز 18 اگست یک توافقنامه بین گرانت و علی احمد خان امضا شد. باوجودیکه مواد آن مورد تائید کامل دولت افغانستان نبود، ولی شاه امان الله با استفاده از فرصت در سپتمبر 1919 طی نامه رسمی به جارج پنجم پادشاه انگلیس نوشت: «من نهایت زیاد متشکرم که حکومت اعلیحضرت شما استقلال و آزادی و حریت افغانستان را شناخته و آنرا قبول نموده اید».

باینکه آواز استقلال از یک جانب یعنی از طرف دولت افغانستان بلند شده بود و انگلیس ها هنوز تصمیم شناخت را نگرفته بودند و راه دشوار سیاسی در جهت قاطعیت بخشیدن استقلال کشور در پیش بود، اما جانب افغان همان روز امضای معاهده راولپندی (28 اسد 1298 شمسی - مطابق 18 اگست 1919) را سرآغاز استقلال کشور دانسته و از آن به حیث روز استقلال کشور تجلیل میدارند.

در آنزمان معمول ترین شیوه دفع تهاجم و استیلای بیگانه در یک کشور و رسیدن به استقلال و آزادی همانا راه حل نظامی بود و پس. شاه امان الله غازی برعکس معمول آنوقت راه دیگری را در پیش گرفت که از اقدام نظامی به حیث آغاز یک اقدام سیاسی استفاده کرد. ولو که قوای افغانی در جبهه جنوبی درحال پیشرفت بود و اقوام وزیر و مسعود آمادگی خود را برای ادامه جهاد علیه انگلیس با جدیت ابراز کردند، ولی چون هدف اصلی شاه امان الله اعاده استقلال افغانستان بود و نمی خواست این هدف کلی و مهم را تحت الشعاع دیگر مسائل قرار دهد، لذا پیشنهاد انگلیسها را مبنی بر متارکه و آتش بس قبول کرد و متعاقباً بسوی مذاکرات سیاسی روی آورد.

اینکه چرا شاه امان الله با وجود مخالفت بعضی شخصیت های مؤثر - از جمله سردار عبدالقدوس خان صدراعظم، سپه سالار محمد نادرخان و از همه مهمتر جناب حضرت صاحب فضل محمد مجددی (شمس المشایخ) که روحانی مبارز، ضد انگلیس و شخصیت با نفوذ در بین قبایل بودند، پیشنهاد متارکه انگلیسها را فوراً قبول کرد، جنگ را متوقف ساخت و راه حل سیاسی را در پیش گرفت، دلالتی وجود دارند که اهم آن در اینجا مختصراً ذکر میگردد:

1) - ضعف قوای نظامی دولتی افغانستان و اتکای بیشتر به قوای قومی و در مقابل باتمام برتری های نظامی که انگلیسها داشتند، برای اولین بار در این جنگ از قوای هوایی (طیاره) استفاده کردند،

2) - ترس از اینکه با تداوم جنگ و ضعف قوای افغانی، موفقیت های نظامی حاصله در جبهه جنوبی که میتوانست آغاز یک عملیه سیاسی مساعد باشد، نیز از بین برود و موقف جانب افغانی در مذاکرات سیاسی ضعیف گردد،

3) - خطر اینکه انگلیسها از وسیله همیشگی تطمیع یک عده سران قبایل و اقوام کار گیرند و آنها قوای خود را از جنگ بیرون بکشند و قوای دولتی را در ادامه جنگ تنها گذارند،

4) - واضح بود که در صورت تداوم جنگ از یکطرف افغانستان بسوی روسها کشانیده میشد و از طرف دیگر روابط سیاسی با انگلیسها قطع میگردد. شاه امان الله میخواست با سیاست «بیطرفی فعال» از رقابت روس و انگلیس به نفع کشور استفاده کند و لذا آرزو نداشت که بیک طرف وابسته بماند،

5) - ختم جنگ عمومی اول موقف انگلیسها را در هند به مشکل مواجه ساخته بود و هم آنها از پیشرفت احتمالی روسها بطرف جنوب شدیداً ترس داشتند، لذا شاه امان الله با درک همین وضع، شرایط جهانی و منطقی را برای حصول استقلال کشور از طریق سیاسی بسیار مساعد میدانست که باید از آن استفاده فوری بعمل آید،

6) - در صورت تداوم جنگ، نفوذ رؤسای قبایل و همچنان علمای دینی در کشور بسیار زیاد می شد، بخصوص نفوذ خانواده های روحانی که از همه بیشتر خواهان قدرت سیاسی وسیع به حیث «شریک السلطنه» بودند که در نتیجه افغانستان بار دیگر به نظام قبایلی دوره قبل از امیر عبدالرحمن خان برگشت میکرد، دولت ضعیف می شد و بساط خانه جنگی ها هموار میگردد و آرزومندی دولت جهت آوردن اصلاحات برآورده نمی شد. لذا شاه امان الله صواب را در آن دید تا در چنین موقع حساس خودش با مشاوران خود در مرکز تصمیم اتخاذ نماید. طرح موضوع با بزرگان قومی شریک در جهاد از یکطرف وقت بیشتر را احتوا میکرد و عملاً از نظر تخنیکی در چنان وقت کوتاه میسر نبود و از طرف دیگر ترس از پیدا شدن اختلاف نظر و استفاده سوء انگلیس ها از این اختلاف نظر موجب ضعف موقف رسمی دولت میگردد.

علاوئاً داکتر عبدالرحمن زمانی (مأخذ قبلی ... صفحه 138 تا 140) عوامل ذیل را نیز در قبولی پیشنهاد متارکه مؤثر میدانند:

الف) ناکامی قوای عسکری افغان در جبهه خیبر و ناتوانی عمومی شان در پیشروی به قلمرو هند برتانوی؛ ولو که قوتهای قومی در حال پیشرفت بودند، اما برای مدت طولانی توان نگهداشت سرزمینهای مفتوحه را نداشتند و ناگزیر باید آنرا به قوای دولتی افغانستان می سپردند و قوای دولتی نیز در اینکار دچار ضعف و مشکل بود.

ب) شکست و سرکوب قیام مردم در پشاور بوسیله قوای انگلیسی.

ج) سرکوبی و تضعیف قیام سرتاسری مردم در داخل هند برتانوی.

د) سهم نگرفتن بعضی از قبایل سرحدی در جنگ به دلیل تطمیع شان از طرف انگلیس ها.

هـ) استفاده انگلیسها از ستون پنجم یا هواداران آنها در داخل کشور و ایجاد ناامنی و چور و چپاول در جلال آباد.

در اینجا باید تذکر داد که شاه امان الله در نامه های خود عنوانی سرکردگان جبهات اکیداً نوشت که متارکه فقط به مقصد شروع مذاکرات جهت رسیدن به توافق مبنی بر شناسائی استقلال کامل افغانستان از طرف انگلیس ها صورت گرفته و اگر چنین هدفی برآورده نشود، جهاد مردم افغانستان ادامه خواهد داشت و در این ارتباط در پایان یک نامه خود عنوانی سپه سالار محمد نادر خان این بیت را نوشت:

دست از طلب ندارم تا کام من برآید **** یا جان رسد بجانان یا جان ز تن برآید

عزیزالدین فوفلزائی - مستند نویس واقعات تاریخ معاصر افغانستان که شخصاً در آنوقت رویداد های کشور را به دقت دنبال و یادداشت میکرد، راجع به پی آمد نهائی جنگ سوم افغان و انگلیس به این

نظر است که: «برتانیه در جنگ سوم افغان پیروز نگردد، هر دو طرف اراضی یکدیگر را اشغال کرده بودند و پیکارهای فیصله کن صورت نگرفت و هیچ یک از هر دو طرف بصورت مشخص شکست نخورد، لیکن این جنگ به تسلط و اقتدار برتانیه در افغانستان خاتمه داد و افغانها حق دارند که در آن جنگ خود را پیروز اعلان نمایند، ولو اینکه در نهایت این پیروزی را در ساحه دیپلوماسی بدست آوردند، تا اینکه آنرا در میدان جنگ کمایی کرده باشند.» (مأخذ قبلی... صفحه 48)

با این ترتیب دیده میشود که استرداد استقلال افغانستان با یک عملیه کوتاه و اما مؤثر نظامی آغاز شد، با یک عملیه دوامدار سیاسی طی سه دوره مذاکرات جدی و معلق انجام یافت که در آن عصر کاربرد همچو شیوه قبلاً نظیر نداشت. این روش واقعاً یک حرکت تازه در جنبشهای استقلال طلبی از یوغ استعمار کهن بود که بعداً رهبر آزادی هند گاندی فقید این روش را برای کسب استقلال هند از سلطه دیرینه انگلیسها بکار برد و در جهان بنام سیاست «عدم خشونت» شهرت یافت. متأسفانه تا امروز هیچکس از بنیانگذار اولی این روش در جهان یعنی شاه امان الله غازی نام نبرده و این افتخار بزرگ در فراموشخانه تاریخ کشور ناپدید گردیده است.

تلاش برای گسترش روابط با جهان و سنانشانی استقلال کشور:

عملیه سیاسی استرداد استقلال دروازه افغانستان را به روی کشورهای جهان باز کرد و برای اولین بار در طول تاریخ کشور، نمایندگان افغانستان به کشورهای اروپایی و امریکا به سفرهای سیاسی و فعال پرداختند و روابط خارجی افغانستان را با جهان گسترش دادند. تا آنوقت روابط خارجی ما از حدود کشورهای همسایه و بعضاً اسلامی فراتر نمیرفت، دولت در امور خارجی دست آزاد نداشت و روابط خارجی را از طریق حکومت هند برتانوی انجام میداد. با اعزام هیئت افغانی به ریاست محمد ولی خان به روسیه در اواسط سال 1919 و از آنجا به ترکیه، ایران، جرمنی، ایتالیا، فرانسه، امریکا، مصر و انگلستان از یکطرف هویت سیاسی افغانستان به حیث یک کشور مستقل در جهان تثبیت گردید و از طرف دیگر روابط اقتصادی، سیاسی و فرهنگی با آن کشورها برقرار شد که در نتیجه هیئتهای متعدد از آن دولت به افغانستان آمدند و به افتتاح نمایندگیهای سیاسی و سفارتخانههای خود در کشور پرداختند که افغانستان نیز در عین زمان به اینکار اقدام کرد و در نتیجه انگلیسهای راهی نداشتند، جز آنکه استقلال کامل افغانستان را پس از مذاکره هیئتهای طرفین در دور دوم منعقد منسوری در هند تحت ریاست محمود طرزی (اپریل 1920) جهت عادی ساختن روابط بین مملکتین و پس از آن در نتیجه عقد معاهده کابل طی سومین دوره مذاکرات بتاريخ 22 نوامبر 1921 تحت عنوان "معاهده دوستی و مناسبات تجارتي" عملاً استقلال کامل افغانستان را به رسمیت بشناسند. (نویسنده این مقاله افتخار دارد که پدرکلانش مرحوم میرهاشم خان وزیر مالیه جزء هیئت افغانی در دور سوم مذاکرات کابل بود.)

(ادامه دارد - ان شاءالله در قسمت دوم این مقاله توجه را به دو فرمان شاه امان الله غازی جلب میدارم: یکی به جواب عریضه حضرت صاحب فضل محمد مجددی (شاه آغا) و سردار شاه محمود خان که بتاريخ 26 جوزای 1298 از سمت جنوبی ارسال داشته اند، و دیگر فرمان مورخ 7 سرطان 1298 شمسی عنوانی سردار محمد نادرخان سپه سالار قوماندان عمومی محاذ جنوبی نوشته شده است.)